



محمد حسن نبوی

طهارت طهارة هدایت نموده است، تا آنجا که مبلغان موفق گاهی تا چند نسل بعد از مخاطبان خویش را متأثر از رفتار و منش اجتماعی خود ساخته‌اند؛ پدران از آموزه‌ها و رفتارهای پندآموز آنان برای فرزندان و نسلهای بعد حکایت کرده و آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در مقابل، افرادی هم یافت می‌شوند که به لحاظ تبلیغ گفتاری و سخنوری، چیره دست و پر توان‌اند؛ لیکن به دلیل ناتوانی در سلوک اجتماعی، آموزه‌های خویش را بی‌تأثیر می‌سازند.

از آنجا که ماهیت تبلیغ یک فعالیت اجتماعی است و مبلغ به دنبال تأثیرگذاری بر آحاد جامعه خویش است، سلوک اجتماعی او از جایگاه حساس و دقیقی برخوردار می‌باشد. مبلغ برای آنکه مردم را ابتدا جذب کرده، سپس به تأثیرگذاری بر آنها بپردازد، لازم است به لحاظ سلوک و رفتار اجتماعی از توانمندی بالایی برخوردار باشد.

فراوان دیده می‌شود که مبلغ تنها به دلیل رفتار زیبا و پسندیده اجتماعی در بین مردم نفوذ کرده و آنان را به راه قرآن و اهل بیت عصمت و

در بحث سلوک اجتماعی، محورهایی قابل بررسی است؛ لیکن در این مقال به یکی از مباحث مبنایی که «جلب رضایت مردم» است می‌پردازیم.

تلاش برای جلب رضایت مردم، علاوه بر آنکه به لحاظ سیاسی دارای اهمیت می‌باشد، از نظر دینی هم مسئله‌ای قابل تأمل و شایسته دقت است. مبلغ در عرصه فعالیت‌های اجتماعی در صورتی می‌تواند موفق عمل کند که بتواند اعتماد مردم را جلب کرده، قلبهای آنان را با خود همراه سازد.

برخی بر این باورند که رضایت مردم را به هیچ وجه نمی‌توان به دست آورد؛ از این رو پرداختن به این مقوله را بی‌نتیجه و عبث می‌پندارند.

حکومت‌های به ظاهر آزاد دنیا با پذیرش لزوم تحصیل رضایت مردم، سعی می‌کنند حکومت و قدرت خویش را برگرفته از علاقه و تمایل مردم نشان دهند و با نظریه‌پردازیها و تصویب قوانین بسیار، این کلیدی‌ترین نشانه دموکراسی را از نظر

شکلی پاس دارند. زمامداران در این نظامها می‌کوشند تا صورت مسئله را به گونه‌ای طرح کنند که به عامه مردم بقبولانند حکومت در چهارچوب رضایت آنان شکل گرفته است. همچنین چه بسا از فریب و نیرنگ برای رسیدن به خوشنودی مردم بهره جویند تا آنان را وادار سازند که ناخودآگاه در مسیر اهداف و مطامع ایشان قرار گیرند.

اما در حکومت علوی، خدمت به عامه مردم و جلب رضایت آنان، مسئله‌ای اساسی است.

در تبلیغ، ارشاد و هدایت مردم نیز توجه به میل و علاقه آنان از ارزش بالایی برخوردار است.

علاقه مردم به مبلغ

روحانی در صورتی موفق خواهد بود که از پشتوانه محبت مردم برخوردار باشد، نه اینکه مردم حضور او را بارگرانی بر دوش خویش احساس کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«وَأَنْ أَفْضَلَ قُرَّةَ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ وَإِنَّهُ لَا

تَنْظَهُرُ مَوَدَّتِهِمْ أَلَّا بِسَلَامَةٍ صُدُورِهِمْ وَلَا تَصِحُّ نَصِيحَتُهُمْ إِلَّا بِحَيْطَنِهِمْ؛^۱ بهترین چشم روشنی برای حاکمان برپایی عدالت در شهرها و ابراز علاقه مردم [به آنان] است و این محبت ابراز نمی‌شود مگر در صورتی که دل‌های مردم آرام باشد. نصیحت و خیر خواهی مردم نیز باقی نخواهد ماند مگر آنکه به حفظ حکمرانان و حضور در گرد آنان علاقه‌مند باشند.»

گرچه خطاب در این جملات به حاکمان است، لیکن در عرصه تبلیغ می‌توان از این جمله‌های نورانی مطالبی را استنباط کرد:

۱. رضایت مردم یکی از بهترین و ارزشمندترین نمود موفقیت [کسانی] است که به نحوی وظیفه خدمت به آنان را بر عهده گرفته‌اند، از اینرو باید در تحصیل و تقویت آن کوشید و نسبت به آن اهتمام ورزید.

۲. اگر مردم در دل خدمتگزاران خودشان را دوست داشته باشند، محبت خود را به آنان ابراز می‌کنند.

۳. شهر و ندان در صورتی خیر خواه و نصیحت‌گوی

خدمتگزاران خود خواهند بود که: الف. از روی محبت گرداگرد آنان جمع شوند.

ب. آنان را باری سنگین بر دوش خود احساس نکنند.

ج. هر لحظه منتظر شکست و منزوی شدن آنان نباشند.

رضایت مردم به تصمیم‌گیری

بسر اساس دستورات امیرالمؤمنین علیه السلام لازم است هنگام تصمیم‌گیری و برای آغاز یا ادامه فعالیت تبلیغی یا عمرانی، یکی از ملاکهای مهم را رضایت مردم دانست. «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَأَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَةِ فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يُغْتَفَرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ»^۲

باید دوست داشتنی‌ترین کارها نزد تو کاری باشد که بهترین^۳ از جهت

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲. همان.

۳. کلمه «أوسط» در این قسمت از سخن آن حضرت به معنای «بهترین» و «ارزشمندترین» است؛ هر چند برخی از مترجمان نهج البلاغه، آن را «میان‌روی» یا «میان‌ترین» معنا کرده‌اند.

۱. در واژه اسلام و مسلم مفهوم تسلیم نهفته است، البته تسلیم در برابر خداوند و دستورات او، نه تسلیم در برابر دشمنان و معاندین و شیاطین، و این امر تحقق خارجی نمی‌یابد مگر با اطاعت از دستورات دین. یک مبلغ در صورتی که رضایت مردم را بی‌اعتنایی به اوامر الهی احساس کرد هرگز به آن نمی‌اندیشد.

۲. قرآن مجید می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾؛^۱ «هر گاه خدا و رسول او فرمانی را صادر کنند، هیچ مرد و زن مؤمنی حق ندارد خود را در امور شخصی خویش، مختار بداند و کسی که خدا و رسولش را نافرمانی کند، حتماً به گمراهی آشکار مبتلا شده است.»

از این آیه چنین استنباط می‌شود:
الف. مؤمنین در مقابل دستورات خدا و رسولش حق عمل بر خلاف آن را ندارند، گرچه در امور شخصی آنان

حق و عمومی‌ترین از نظر عدالت است و بیشترین رضایت مردمی را به دنبال بیاورد؛ زیرا نارضایتی عمومی رضایت خواص را از بین می‌برد و نارضایتی خواص با رضایت عمومی مردم جبران می‌شود.»

در اینجا یک ملاک ارزشمند در تصمیم‌گیری فراروی رهبران جامعه قرار می‌گیرد که هنگامی که بنا باشد از بین راههای مختلف برای حل مشکل و یا انجام کاری یکی انتخاب گردد، باید گزینه‌ای انتخاب شود که علاوه بر رعایت حق، موجب فراگیری عدالت گردد و بیش از همه رضایت عمومی را به دنبال داشته باشد؛ گرچه عده‌ای از خواص ناراحت شوند.

رضایت خدا یا مردم

برای دریافت محدودهٔ اهتمام به رضایت مردم و رعایت رضای الهی، در منابع دینی مطالب فراوانی وجود دارد که تأمین رضایت مردم را در صورتی ارزشمند قلمداد می‌کند که در کنار آن مخالفت با دستورات دینی نباشد. برای تبیین این مطلب توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. احزاب / ۳۶.

باشد، چه رسد به مسائل اجتماعی.
 ب. اگر خداوند و رسولش در موضوعی حکمی را صادر نکردند، انسانها بر اساس تجارب و تحقیقات خویش می‌توانند راهی را برگزینند و اینجا میدان اختیار مسلمانان در استفاده از علوم و فنون بشری است. لیکن در موردی که دین فرمانی را صادر کرده، از آنجا که اطاعت از آن دستورات ضامن سعادت بشر است، فردی که ایمان به خدا، قرآن و پیامبر ﷺ داشته باشد، راهی غیر از راه دین را بر نمی‌گزیند.

حال اگر این اطاعت موجب سرخوردگی و بی‌رغبتی از جانب مردم باشد، در کانون فکری و رفتاری یک مسلمان هیچ تأثیری نخواهد داشت.

۳. امیرالمؤمنین علی علیه السلام با صراحت کامل در هنگام تعارض رضایت الهی و امیال مردم چنین می‌فرماید: «وَلَا تُسَخِّطِ اللَّهُ بِرِضَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ فَإِنَّ فِي اللَّهِ خَلْفًا مِنْ غَيْرِهِ وَ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ خَلْفٌ فَسِ غَيْرِهِ»^۱ خدا را در راضی نگه داشتن مردم به خشم نیاور؛ زیرا خشنودی خدا جایگزین هر چیزی

بوده، اما هیچ چیز جایگزین خشنودی خدا نمی‌شود.»

۴. در جای دیگر امیرمؤمنان علیه السلام سرآغاز تمام فتنه‌ها را پیروی از هواهای نفسانی و مخالفت با کتاب الله بیان می‌دارد و می‌فرماید:

«أَتَمَّا بَدَأَ الْفِتْنِ اِهْوَاءُ تُسْبِغُ وَأَحْكَامُ تُبْتَدَعُ يُخَالَفُ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ وَتَتَوَلَّى عَلَيْهَا رَجَالٌ رَجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ؛^۲ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها هواپرستی و بدعت‌گزاری است؛ نوآوری‌هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی از این طریق بر خلاف دین خدا بر گروهی دیگر حاکم می‌شوند.»

نتیجه آنکه، رضایت مردم در طول رضایت الهی است؛ یعنی ما وظیفه داریم ابتدا، رضایت الهی را مد نظر قرار دهیم و پس از آن برای جلب رضایت مردم تلاش کنیم. و در این راستا هر چه کوشش کنیم خود یکی از عوامل مهم جلب رضای الهی است.

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲. همان، خطبه ۵۰.